

موسیقی ناب کردستان ایران

موسیقی ناب کردستان ایران

یکشنبه، 10/11/1390 - 12:20

موسیقی ناب کردستان ایران با نوآوری‌های دلنشین از گروه موسیقی "پویا"

ایرج ادیبزاده



ایرج ادیبزاده - در پاریس کنسرتی در مرکز فرهنگی "پویا" برگزار شد از موسیقی ملی ایران با نوآوری‌هایی که تماشاگران بسیاری، به‌ویژه فرانسوی‌ها را جذب خود کرد. الهام‌بخش این کنسرت موسیقی سنتی کردستان ایران بود با جلوه‌گری تنبور که در خطه کردستان و به‌خصوص در اطراف کرمانشاه سازی است مقدس و مورد احترام و توجه.

[1] (MP3/32kbps) فایل صوتی را از اینجا بشنوید!

در این کنسرت آرش مرادی پسر علی اکبر مرادی استاد بزرگ تنبور ایران با سازهای شورانگیز و تنبور حضور داشت، محمدعلی مرادی با کمانچه، نوید سعیدی با شورانگیز و سه‌تار، آرش رشید شمالی با تنبک و عباس بختیاری با دف و آواز. گزارشی از این کنسرت موسیقی ایرانی ناب تهیه کرده‌ام که اکنون می‌شنوید:

عباس بختیاری نوازنده دف، سازنده آهنگ فیلم و مدیر فرهنگسرای پویاست. او درباره کنسرت گروه پویا و تازگی و نوآوری‌های آن می‌گوید:

عباس بختیاری: «موسیقی یارسان‌ها تصویرگر یک تاریخ پنج هزار ساله است»

عباس بختیاری - خود ما هم با این نوع موسیقی بیگانه بودیم. چون نوعی از موسیقی‌ست که تصویرگر یک تاریخ کهن پنج هزار ساله است، موسیقی "یارسان‌ها" است که عمدتاً در منطقه کرمانشاه سکونت دارند. البته شناختی که ما داشتیم، بیشتر از طریق آثاری بود که ضبط و به بازار عرضه شده بود و یا کنسرت‌هایی که بعضاً از گروه‌های تنبورنوازان در خارج از کشور شنیده بودیم. به دلیل اینکه ارتباطمان با جامعه قطع است، ۲۸ سال است در غربت هستیم، یک تصویر ذهنی از این موسیقی داشتیم. تا اینکه از آقای آرش مرادی فرزند استاد علی اکبر مرادی چندین بار این آثار را که به تنهایی هم آن‌ها را می‌نواخت، شنیدیم. حدود هشت سالی هست که ما تقریباً همه جای اروپا و دنیا باهم کنسرت داریم. از آنجایی که کار ما تکراری بود، از ایشان خواستیم مدتی روی مقلمت یارسان‌ها، یا همین در اویش اهل حق کار کنند. در سفری که به لندن داشتیم، یک تمرین یک

چارچوب و ساختمان کار قدمتی بس تاریخی دارد. تنظیم موسیقی را آقای علی‌اکبر مرادی که پدر آرش مرادی باشند انجام داده بودند. ما روی همان کار ضبط‌شده تمرین کردیم، به‌علاوه اینکه بخشی از ذهنیت خودمان را هم اضافه کردیم.



یعنی بداهه‌نوازی هم کردید.

بله، همین‌طور است. برای اینکه به نظرمان آمد مدارهایی هست که به روی ما بسته است و آزادی نداریم. این مسئله آرامان می‌داد. بنابراین تصمیم گرفتیم از این چارچوبی که برایمان اختیار شده، مقداری بیرون بیاوریم و این اجازه را داشته باشیم که پس از ۲۸ سال تبعید که داریم موسیقی دنیا را می‌شنویم، آن حس‌هایی هم که ناخودآگاه گرفته‌ایم، آن‌ها را هم تلفیق کنیم. البته در شکل نواختن سازهای کوبه‌ای و نه اینکه در خود تنظیم موسیقی تغییری ایجاد شود.

به خاطر اینکه نخستین گلمی که باید برمی‌داشتیم، این بود که ما این نوع موسیقی را معرفی کنیم. چون این نوع موسیقی با این همه قدمت تاریخی‌اش، به واسطه سرکوب‌هایی که در تمام نوره‌های تاریخی روی موسیقی ما شده، ناشناخته مانده است. ابتدا قصدمان این است که خود موسیقی را به صحنه آوریم و بعد به مرور زمان اگر خلأی به وجود آمد و متوجه شدیم که باید آواز و تصنیف هم به این مجموعه اضافه شود، قطعاً این کار را انجام دهیم.



ولی فکر می‌کنم فعلاً اشباع هستیم از کاری که داریم می‌کنیم. اصولاً نوعی افراط و تفریط در موسیقی ما وجود دارد. گاهی اوقات یک چیزی را به زور می‌آوریم در یک مجموعه، در حالی که جایی برای آن وجود ندارد و با این همه فکر می‌کنیم که حتماً باید آواز هم باشد. وقتی سازها می‌توانند به درون تماشاگر رخنه کنند و تصویرگر بخشی از هویت ایرانی باشند، چرا می‌بایست آواز هم به آن اضافه کنیم؟ شاهد برخورد شنوندگان بودید و فکر می‌کنم خودتان هم یکی از کسانی بودید که لذت بردید، چون راحت می‌توانستید با سازها ارتباط بگیرید. وقتی بغض آقای را می‌دیدم که جلوم نشسته بود، دوست داشتم اندوهش را با من تقسیم کند، دوست داشتم با احساسش هم‌رام شوم. در همان تصنیفی هم که خواندم، سعی کردم بیشترین احساسم را بریزم تا نشان دهم که یار او هستم، می‌توانم همراه او باشم برای تقسیم کردن همه اندوهی که دارد.

آرش مرادی: «تنبور در منطقه گوران یک ساز مقدس است»

آرش مرادی فرزند علی اکبر مرادی استاد بزرگ تنبور ایران است. تنبور ساز مقدسیست نزد بخش‌هایی از کردهای ایران، در گوران و در کرمانشاه. آرش مرادی درباره تقدس این یاز در این نواحی می‌گوید:

آرش مرادی - ساز تنبور یک ساز مقدس است و بسیاری از خانواده‌های منطقه‌ی گوران و چند جای دیگر کرمانشاه همه تنبور می‌زنند و تنبور یک ساز مقدس است و اکثر خانواده‌ها یک ساز تنبور دارند، حتی اگر ساز هم نزنند. من این شانس را داشتم که پدرم نوازنده بود، خودش موزیسین بود و من از بچگی این ساز را مثل یک اسباب‌بازی در دستم داشتم و ساز می‌نواختم و از پدر به‌رحال نواختن این ساز را یاد گرفتم.

از چندسالگی شروع کردید به نوازندگی؟



این سوالیست که پاسخش برای خود من هم سخت است، چون نمی‌دانم. از زمانی که یادم می‌آید، این ساز در دستم بود. شاید بتوانم بگویم یک یا دو سالم بود که پدرم برای ما سازهای کوچک درست کرده بود. او به سازنده تنبور گفته بود چندتا ساز برای بچه‌ها درست کن و ما این سازها را داشتیم. البته به‌عنوان اسباب‌بازی داشتیم، هنوز هم داریم.

یعنی برادرها و خواهرها هم مثل شما ساز می‌زنند؟

بله. برادرم و خواهرم همه ساز می‌زنند و پدرم هم به خاطر اینکه موزیسین بود، تأثیر مثبتی داشت روی تمام خانواده. یعنی الان پسر عموها، دختر خاله‌ها، دختر عموهایم ساز می‌زنند. اصولاً در هر خانواده حداقل دو سه نفر نوازنده تنبور هست.

این ساز چقدر قدمت دارد؟

دقیقاً نمی‌شود گفت تنبور چقدر قدمت دارد. ولی با چیزهایی که چند سال پیش محققان در غاری نزدیک همان منطقه اورامانات کرمانشاه پیدا کرده بودند، هزاران سال باید قدمت داشته باشد. نقاشی‌هایی روی دیوارهای این غار بود، از جمله تصویر سازی که به تنبور شباهت دارد. گفته‌اند که این تصاویر ظاهراً پنج هزار سال قدمت دارند. البته تنبور در نزد اقوام و ملت‌های دیگر هم وجود دارد و با این حال ممکن است به آن تنبور نگویند. برای مثال در خراسان و در شمال ایران و در دیگر مناطق دوتار را داریم. اصولاً از افغانستان تا چین و ژاپن و در کشورهایمانند ترکیه و یونان و شاید برخی کشورهای اروپای شرقی این ساز به اسم‌های مختلف وجود دارد. بعضی وقت‌ها حتی آن را به نام تنبور می‌شناسند. فارابی که محقق موسیقی بوده از دو تنبور نام می‌برد: تنبور تیسفونی و - اگر اشتباه نکنم - تنبور خراسانی. ولی تنبوری که ما در دست داریم در منطقه کرمانشاه و کردستان ساز ویژه‌ایست. به خاطر این ویژه است که یارسان‌ها یا اهل حق‌ها این ساز را در بین خودشان به‌عنوان یک ساز مقدس نگه داشته‌اند و تا ۴۰-۳۰ سال پیش این ساز را برای کسی که جزو خودشان نبود یا جزو این طریقت و این آیین نبود نمی‌نواختند. به همین دلیل هم تنبور در این نواحی به شکل نلب و دست‌خورده باقی مانده، موسیقی‌اش هم به همین ترتیب نلب است. در موسیقی ملی ایرانی، برای مثال در موسیقی ردیفی ایرانی یا موسیقی کلاسیک ایرانی ربع و پرده داریم. در حالی که در موسیقی تنبور ما ربع و پرده نداریم و محققان موسیقی عقیده دارند که موسیقی اصیل ایرانی ربع و پرده نداشته است. پس از آنکه اعراب و مذهب اسلام به ایران آمد، ربع و پرده وارد موسیقی ما شد و این نشان می‌دهد که تنبور خیلی قدمت دارد و شاید بتوان گفت که ایرانی‌تر

از بقیه سازهای ایرانی است.



نوید سعیدی: موسیقی ملی ایران می‌تواند گسترش بیشتری بیابد

نوید سعیدی سورانگیز می‌نوازد؛ سازی که با سه‌تار تفاوت دارد. به باور او این ساز می‌تواند به جهانیان بیشتر معرفی شود:

نوید سعیدی - من نوازنده تار و سه‌تار هستم و سورانگیز حدود پنج - شش سال است که استاد قنبری مهر با مشورتی که با استاد علیزاده داشتند، این ساز را به این شکل ابداع کردند. اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که تکنیک آن مثل سه‌تار است، با این تفاوت که روی صفحه آن پوستی قرار داده‌اند.

چرا به آن می‌گویند سورانگیز؟

چون کاملاً با سه‌تار متفاوت است. اصلاً جنس صدادهی‌اش با سه‌تار تفاوت دارد. چون پوست روی کاسه قرار داده‌اند، حجم صدا بلندتر و کمی بم‌تر است و به همین جهت برای کارهای گروهی بهتر از سه‌تار است.



آیا همین باعث شده که در کار گروهی‌تان هم نوعی نوآوری ایجاد شود؟

بله قطعاً. تقریباً از ساز سورانگیز در گروه‌نوازی چندان استفاده نشده. سورانگیزی که امشب نواختم، سورانگیز سه‌تاری است. از این ساز در گروه‌نوازی استفاده نشده و بیشتر تکنوازی بوده و امشب هم تک‌نوازی کردیم و گمان می‌کنم صدادهی کاملاً متفاوتی داشت.

چشم‌انداز تان را جمع به موسیقی سنتی ایران چیست؟

موسیقی سنتی ما، با تمام ضعف‌هایی که دارد، ظرفیت‌های خوبی هم در درونش وجود دارد که به گمانم اگر بتوانیم با ایده‌های جدید و خوب آن ظرفیت‌های درونی را گسترش دهیم، موسیقی‌مان به جاهای خیلی خوبی می‌تواند برسد. با کارهای آهنگسازهای جدیدمان، جوان‌هایی که الان دارند در ایران یا خارج از کشور کار می‌کنند، استعداد‌های خوبی در موسیقی‌مان داریم. ولی متأسفانه خیلی جاها درست از آن‌ها استفاده نشده. اگر بتوانیم از گام‌های موسیقی‌مان، از ریتم‌هایی که در نواحی مختلف ایران هست به خوبی استفاده کنیم، با خیلی کارهای جدید خوبی که الان دارد می‌شود، می‌توانیم این موسیقی را بیشتر به جهانیان معرفی کنیم و واقعاً خیلی جای پیشرفت دارد. امیدوارم که با کنسرت امشب و با کنسرت‌های دیگری که داریم، چه با این گروه و چه با گروه‌های دیگری که با آن‌ها کار می‌کنم، بتوانیم به خوبی و به درستی موسیقی خودمان را، که به نظر من گهرهای کشف نشده‌ای هنوز در آن هست و به درستی معرفی نشده، به جهانیان معرفی کنیم.

یک سخننده فرانسوی: صدایی از ابدیت، یک موسیقی جهانی

پس از پایان کنسرت گروه موسیقی سنتی "پویا" با چند تن از تماشاگران فرانسوی و ایرانی گفت‌وگو کردم. یکی از آن‌ها که بسیار هم تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت:



من مراکشی هستم. نو بار به ایران رفتم و این سرزمین را دوست دارم. موسیقی عرب و اندلسی را گوش می‌کنم. من موسیقی‌دان نیستم، اما موسیقی را دوست دارم. کنسرت امشب بسیار زیبا بود و بسیار آشنا.

یک تماشاگر فرانسوی می‌گوید:

عالی بود، عالی. بسیار احساس برانگیز. صدایی از ابدیت. بسیار آشکار. یک موسیقی جهانی.

و یک خانم فرانسوی می‌گوید:

گوش کنید! بسیار عالی بود. من برای نخستین بار چنین موسیقی‌ای را گوش می‌کردم. اهمیت آن این بود که جهانی بود. سفری به دورها. بسیار آشنا بود.

و آقای رستما از چهره‌های فرهنگی ساکن پاریس می‌گوید:

خیلی کنسرت خوبی بود. به‌خصوص در سالنی بود که تقریباً از فاصله سه چهار متری می‌توانستیم نوازنده‌ها را ببینیم. شور و هیجان را در صورتشان می‌دیدیم، حالت نواختن را می‌دیدیم. من سالن‌هایی را که بشود از فاصله پنج شش متری نوازنده را دید دوست دارم. به‌خصوص برای موسیقی ایرانی و به‌خصوص این تیپ موسیقی که سازهایی هستند که برای سالن‌های خیلی بزرگ ساخته نشده‌اند. خیلی خوب بود. خیلی خوب اجرا شد و جمعیت هم با دقت گوش کردند. خیلی خوب بود.

و بیشتر هم فرانسوی بودند.

شما هم دقت کردید! و فرانسوی‌ها هم چقدر دنبال می‌کردند ریتم را. من هم نگاه می‌کردم. البته ما ایرانی‌ها آن قدر از بچگی این نوع موسیقی را گوش کردیم که بلافاصله هر قطعه‌ای که شروع می‌شود، ریتم را حس می‌کنیم. ولی می‌دیدم فرانسوی‌ها با سرشان چطور دف را دنبال می‌کردند و چه جوری صدای سه‌تار را دنبال می‌کردند. نه، خیلی خوب بود. نوآوری‌اش برای من این بود که موسیقی‌ای بود که تقریباً ۹۰ درصدش کردی بود. خب من هم تهرانی‌ام. تقریباً از راه دور موسیقی کردی را می‌شناسم. ولی وقتی موسیقی کردی را به این نزدیکی نگاه می‌کنم، حرکت دست‌ها را می‌بینم، لذت می‌برم و خودم را کرد می‌بینم. خیلی قشنگ بود. یکی دو تا قطعه بود که شعر فارسی داشت، بقیه قطعت کردی بود و خیلی قشنگ بود. امیدوارم همه این شانس را داشته باشند که بتوانند یک چنین قطعاتی را در چنین سالن‌هایی بشنوند. ممنون از آقای بختیاری که این همه زحمت می‌کشد و این کارهای فرهنگی را در پاریس انجام می‌دهد.

ایمیل گزارشگر:

adibzadeh@radiozamaneh.com

عکس‌ها: ایرج ادیب‌زاده

ترجمین زمینه:

:: گزارش‌های ایرج ادیب‌زاده در قلمرو سیاست و فرهنگ و اجتماع در رادیو زمانه:: [2]

[3]  اشتراک

Taas: ایرج ادیب‌زاده [2], موسیقی نواحی [4], موسیقی کردستان [5], پویا [6]

[7]  اشتراک

ایرج ادیب‌زاده موسیقی نواحی موسیقی کردستان پویا

Source URL: <http://www.radiozamaneh.com/culture/music/2012/01/01/9509>